



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ دیماه ۱۳۹۰

مصادف با: ۳ صفر ۱۴۳۳

جلسه: ۴۷

موضوع کلی: مسئله پنجم

موضوع جزئی: بخش پنجم: تقلید محتمل الاعلمیه

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در محتمل الاعلمیه از بین دو نفر بود. صورت مسئله این است که ما در مورد یک نفر احتمال اعلمیت می دهیم و در مورد شخص دیگر این احتمال وجود ندارد. عرض کردیم در این باره چند قول وجود دارد، ما درباره‌ی دو قول از اقوال مربوط به تقلید از محتمل الاعلمیه بحث کردیم؛ مرحوم سید مطلقاً تقلید از محتمل الاعلمیه را به نحو احتیاط و جویی لازم می‌دانند و امام (ره) هم در مسئله تفصیل داده‌اند و فرموده‌اند در صورتی که علم به مخالفت فتوای محتمل الاعلمیه و دیگری باشد، احتیاط واجب این است که به محتمل الاعلمیه رجوع شود لکن اگر شک در موافقت و مخالفت فتاوی محتمل الاعلمیه و غیر محتمل الاعلمیه بود، در این صورت شخص مقلد مخیر است یعنی تقلید از هر دو جایز است همانطور که در مورد معلوم الاعلمیه ایشان این تفصیل را دادند.

قول سوم: تفصیل مرحوم آقای خوئی (ره)

تفصیلی هم مرحوم آقای خوئی داده‌اند؛ ایشان زائد بر تفصیل امام یک جهت دیگری را هم در این تفصیل داده‌اند و می‌گویند اگر مقلد علم به موافقت فتاوا یا شک در موافقت و مخالفت داشته باشد، تقلید از محتمل الاعلمیه تعیین ندارد چون در خود معلوم الاعلمیه در این دو فرض تقلید اعلم تعیین نداشت چه رسد به اینجا که محتمل الاعلمیه است. لکن در صورتی که مقلد بداند فتوای محتمل الاعلمیه و غیر او با هم مختلف است، در این صورت بین دو حالت تمکن از احتیاط و عدم تمکن از احتیاط فرق می‌کند. این تفصیل زائدی است که مرحوم آقای خوئی در صورت علم به مخالفت داده‌اند. ایشان می‌گویند اگر علم به مخالفت فتوای محتمل الاعلمیه و غیر او باشد و شخص متمکن از احتیاط نباشد، در این صورت رجوع به محتمل الاعلمیه لازم است لکن اگر این مقلد متمکن از احتیاط باشد، آن وقت احتیاط بر او واجب است و دیگر نمی‌تواند از محتمل الاعلمیه تقلید کند.

دلیل قول سوم:

چرا ایشان بین تمکن از احتیاط و عدم تمکن از احتیاط تفصیل داده‌اند؟

ایشان می‌گویند اگر تمکن از احتیاط نباشد مثل اینکه یکی فتوای به وجوب داده و دیگری فتوای به حرمت، در اینجا احتیاط امکان ندارد و یا مثلاً فرصت و وقت کافی برای جمع بین فتوای محتمل الاعلمیه و غیر محتمل الاعلمیه نیست، در این صورت اگر اعلم برای او معلوم نباشد و مردد بین دو نفر باشد و هیچکدام بر دیگری ترجیحی نداشته باشد، در اینجا

مخیر است بین آن دو نفر چون آنچه بر او واجب است تقلید اعلم است و اینجا اعلم مشخص نیست و مرجحی هم در کار نیست. اما اگر احتمال اعلمیت یکی از آن دو نفر را بدهد (طبق فرض) در این صورت اخذ به فتوای محتمل الاعلمیة لازم است برای اینکه امر دائر است بین تعیین و تخییر؛ و در دوران بین تعیین و تخییر، عقل حکم به لزوم آن چیزی می‌کند که احتمال تعیین در آن هست. چون در این صورت است که یقین به امتثال و فراغ ذمه پیدا می‌کند. بهر حال می‌داند اگر به فتوای محتمل الاعلمیة اخذ کند، فتوای او معذر است اما اگر به فتوای غیر او عمل کند معلوم نیست فتوای آن شخص دیگر معذر باشد.

پس در صورتی که امکان احتیاط نباشد باید از محتمل الاعلمیة تقلید کند به همان دلیلی که مرحوم سید هم استدلال کردند اما عمده افتراق نظر مرحوم آقای خوئی با امام در جایی است که مقلد امکان احتیاط داشته باشد، در اینجا امام و سید و دیگران می‌گویند که تقلید محتمل الاعلمیة تعین دارد بنابر همان اصالة التعیین لکن آقای خوئی می‌فرماید در صورتی که مقلد متمکن از احتیاط باشد، دیگر این دلیل جریان ندارد و باید احتیاط کرد.

بیان ایشان در فرض تمکن از احتیاط این است که به طور کلی ما علم اجمالی به وجود احکام الزامی در شرع داریم؛ احکام واقعیه به واسطه این علم اجمالی بر همه ما منجز شده است و ما باید به گونه‌ای عمل کنیم که یقین به فراغ ذمه از آن تکالیف واقعیه پیدا کنیم. تنها راه برای عامی این است که به فتوای فقیه عمل کند؛ حال اگر کسی اعلم باشد، این عامی حتماً باید به اعلم رجوع کند تا یقین به فراغ ذمه برای او حاصل شود. حال فرض کنیم اعلم معلوم نباشد ولی احتمال اعلمیت یک نفر هست، اینجا چنانچه به فتوای محتمل الاعلمیة عمل کند یقین به امتثال پیدا نمی‌کند اما اگر احتیاط کند یقین به امتثال برای او حاصل می‌شود. چون این عامی چه زمانی خیالش راحت می‌شود؟ در صورتی که احتیاط کند و احتیاط هم این است که بین دو فتوی جمع کند و در این صورت است که یقین به فراغ ذمه از احکام الزامیه پیدا می‌کند اما اگر فرض کنید به فتوای محتمل الاعلمیة اخذ کرد و نماز جمعه خواند و نماز ظهر را ترک کرد در این صورت آیا این عامی یقین به امتثال پیدا می‌کند؟ عقل او می‌گوید دفع عقاب محتمل واجب است و احتمال دارد نماز ظهر واجب باشد و اگر نماز ظهر را نخواندی به این دلیل که غیر اعلم فتوای به وجوب نماز ظهر داده و نماز جمعه خواندی به این دلیل که محتمل الاعلمیة فتوای به وجوب نماز جمعه داده است، یقین به فراغ ذمه حاصل نمی‌شود زیرا هنوز آن علم اجمالی به لزوم احکام واقعیه به قوت خودش باقی است.

لذا در جایی که محتمل الاعلمیة وجود داشته باشد و مقلد متمکن از احتیاط باشد، تنها راه خلاص عامی از اشتغال ذمه عمل به احتیاط است و با عمل به فتوای محتمل الاعلمیة یقین به فراغ ذمه پیدا نمی‌کند. اما اگر اعلم معلوم باشد عقل می‌گوید که باید به فتوای اعلم عمل کنی و دیگر فتوای غیر اعلم حجت نیست. این محصل تفصیلی است که مرحوم آقای خوئی در این مطلب بیان کرده‌اند.^۱

۱. التنقیح، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۷.

بررسی قول سوم:

به نظر می‌رسد این تفصیل تمام نیست. البته این اشکالی که ما مطرح می‌کنیم بنابر مبنای کسانی مثل امام (ره) است که اصالة التعیین را در مورد اعلم جاری می‌دانند و در تقلید اعلم احتیاط وجوبی کرده‌اند و بر مبنای مختار نیست چرا که ما اصالة التعیین را در تقلید از اعلم هم جاری نمی‌دانیم.

ما بر این مبنی به آقای خوئی اشکال داریم؛ اشکال ما به ایشان این است که در هر دو فرض چه صورت تمکن از احتیاط و چه صورت عدم تمکن از احتیاط اگر مقلد علم به مخالفت فتوای محتمل الاعلمیة و غیر او داشته باشد، رجوع به محتمل الاعلمیة متعین است یعنی در هر دو فرض عقل از باب احتیاط حکم به تعیین محتمل الاعلمیة می‌کند. آقای خوئی می‌فرماید فقط در یک صورت عقل این حکم را دارد ولی ما می‌گوییم در هر دو صورت عقل این حکم را دارد یعنی با اخذ به قول محتمل الاعلمیة یقین به امتثال حاصل می‌شود. چون:

ما هم قبول داریم علم اجمالی به احکام الزامیه در شرع وجود دارد و باید جستجو کنیم و به طریقی به این احکام عمل کنیم، اگر به فتوای محتمل الاعلمیة عمل کنیم آن علم اجمالی از بین می‌رود و دیگر احتمال ضرر و عقاب وجود ندارد تا از باب دفع عقاب محتمل بخواهیم احتیاط کنیم (همه افتراق نظر ما با ایشان در این نقطه است) تا مادامی که مسئله اعلمیت مطرح نیست فتوای هر دو نفر برای عامی حجت است بر خلاف مرحوم آقای خوئی که معتقد بود ادله‌ی حجیت فتوی شامل دو فتوای متعارض نمی‌شود و حجیت تخییریة معقول نیست، ما این را رد کردیم و گفتیم در بین متساویین ادله حجیت، هر دو فتوای را برای ما حجت می‌کنند و ما بین این دو فتوی مخیر هستیم وقتی هم که مسئله‌ی اعلمیت یا احتمال اعلمیت مطرح می‌شود، ما به فتوای محتمل الاعلمیة اخذ می‌کنیم چون فتوای غیر محتمل الاعلمیة دیگر معتبر نیست لذا اینجا دیگر احتمال عقاب نمی‌دهیم تا عقل حکم به وجوب دفع آن بکند و بگوید باید احتیاط کنید و به هر دو فتوی عمل کنید بلکه عقل احتمال تعیین فتوای محتمل الاعلمیة را که می‌بیند در دوران بین تعیین و تخییر، اصل را بر تعیین می‌گذارد. آقای خوئی می‌گفتند با عمل به فتوای محتمل الاعلمیة هنوز احتمال عقاب بر طرف نمی‌شود و عقل می‌گوید باید کاری کنی تا این احتمال را نفی کنی، ما سؤال می‌کنیم که چرا با عمل به فتوای محتمل الاعلمیة احتمال عقاب بر طرف نشود؟ مشکل نظر مرحوم آقای خوئی این است که ایشان حجیت تخییریة را قبول ندارند و می‌گویند ادله حجیت شامل دو فتوای متعارض نمی‌شود و نمی‌تواند هر دو را برای ما حجت کند، لذا وقتی یکی از آن دو فتوی مربوط به محتمل الاعلمیة می‌شود تأثیری در این مطلب ایجاد نمی‌کند یعنی می‌گوید احتمال اعلمیت تأثیری در این تغییر وضع این دو فتوی نمی‌دهد. این دو فتوی مشمول ادله حجیت نبودند و حال که احتمال اعلمیت مطرح می‌شود، باز هم مشمول ادله حجیت تخییریة نمی‌شوند لذا می‌فرمایند چون دو فتوی وجود دارد باید به گونه‌ای عمل کند که یقین به امتثال پیدا کند و این را فقط از طریق احتیاط ممکن می‌داند. اما ما که ادله حجیت فتوی را شامل متعارضین می‌دانیم و حجیت تخییریة را قبول داریم، پس اصل فتوای دو مجتهد به نحو بدلی برای ما حجت است و به هر کدام که عمل کنیم ذمه ما برئ می‌شود. مسئله احتمال اعلمیت که پیش می‌آید، احتمال اعلمیت معین یکی از دو فتوی شده و یکی از دو فتوی را برای ما حجت می‌کند.

بنابراین به نظر می‌رسد تفصیل مرحوم آقای خوئی بین تمکن از احتیاط و عدم تمکن از احتیاط صحیح نیست.

بررسی قول اول و دوم:

ما اصل نظر امام را که در تقلید از محتمل الاعلمیة می‌فرمایند احتیاط واجب این است که به محتمل الاعلمیة رجوع شود در صورتی که علم به مخالفت فتاوی محتمل الاعلمیة و غیر او باشد را تا حدودی می‌توانیم موافقت کنیم یعنی در صورت شک در مخالفت یا علم به موافقت فتاوا که تقلید از محتمل الاعلمیة لازم نیست، چون در خود معلوم الاعلمیة هم گفته شد که تقلید در این دو صورت لازم نیست چه رسد به محتمل الاعلمیة.

در صورت علم به مخالفت فتوای محتمل الاعلمیة و غیر او امام احتیاط واجب می‌کنند رجوع به محتمل الاعلمیة را چون ایشان در معلوم الاعلمیة هم احتیاط واجب کردند لکن ما حتی در صورت علم به مخالفت هم گفتیم تقلید اعلم لازم نیست. آنجا امام از باب اصالة التعیین و حکم عقل گفتند رجوع به اعلم لازم است ما گفتیم با وجود سیره عقلائیة و ادله‌ی جواز تقلید که فرقی بین علم به مخالفت و صورت شک و صورت موافقت نگذاشته دیگر جایی برای اصالة التعیین نیست.

پس در بحث تقلید اعلم ما به امام اشکال کردیم و گفتیم اینجا جای رجوع به اصالة التعیین نیست؛ مادامی که ما دلیل داریم (ادله جواز تقلید و سیره عقلائیة) و این ادله اطلاق داشته و فرقی بین صورت علم به مخالفت و غیر آن نگذاشته‌اند، لذا با وجود این ادله ما نمی‌توانیم بگوییم تقلید اعلم لازم است لکن چون در مسئله یک شهرت قویه وجود دارد ما هم احتیاط واجب را در تقلید اعلم دانستیم.

حال همان اشکالاتی که در بحث تقلید اعلم داشتیم اینجا هم به امام و هم مرحوم سید داریم یعنی هیچ دلیلی بر تعین قول محتمل الاعلمیة نداریم. در محتمل الاعلمیة هم معتقدیم که اطلاعات ادله جواز تقلید و سیره عقلائیة در رجوع به عالم فرقی بین عالمی که احتمال اعلمیت او هست و عالمی که این احتمال در مورد او نیست، مشاهده نمی‌شود. پس از نظر ادله مانند فرض تقلید اعلم معتقدیم تقلید محتمل الاعلمیة هم تعین ندارد. لکن در مورد محتمل الاعلمیة تقریباً یک شهرت قابل توجهی مشاهده می‌شود هر چند به قوت بحث تقلید اعلم نیست. لذا به نظر ما احتیاط مستحب در صورت علم به مخالفت فتاوا رجوع به محتمل الاعلمیة است و دیگر جای حکم عقل به اصالة التعیین و احتیاط در دوران بین تعین و تخییر نیست. با توضیحاتی که داده شد بطلان فتوی به وجوب رجوع به محتمل الاعلمیة هم واضح و روشن می‌شود.

بحث جلسه آینده: یک قول دیگر که قول به تخییر است باقی مانده که آن را در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

تذکر اخلاقی: مذمت بطالت

«الرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: إن الله يبغيض الصحيح الفارغ لا في شغل الدنيا ولا في شغل الآخرة».

خداوند متعال از آدم سالم بیکار بدش می‌آید. فارغ یعنی کسی که نه اشتغال به امر دنیا دارد و نه اشتغال به امر آخرت. هر چند اشتغال انسان در دنیا باید در مسیر آخرت باشد ولی ببینید بطالت و گذراندن اوقات به بیهودگی و اینکه انسان نه عبادت کند و نه ذکر بگوید و نه در مسیر آخرت قدم بردارد و نه حداقل در مسیر دنیای خودش قدمی بر می‌دارد؛ چنین شخصی مبعوض خداوند است. مبعوض خداوند بودن مسئله‌ی مهمی است. گاهی انسان محبوب خداوند نیست، ممکن است

مبغوض هم نباشد ولی می‌فرماید خداوند متعال از آدم سالم بیکار حتی در آن ساعات بیکاری بدش می‌آید. انسان باید توجه داشته باشد که این وجود ذی‌قیمت را بیکار و معطل رها نکند. ان شاء الله خداوند به ما توفیق بدهد که نعمت صحت و نعمت فراغت را قدر بدانیم و به آخرت و دنیایی که در مسیر آخرت است مشغول باشیم.

«والحمد لله رب العالمین»